

## تحلیل آماری اسناد احادیث «ابواب التاریخ» کتاب کافی\*

نعمت الله صفری فروشانی\*\* و رسول چگینی\*\*\*

### چکیده

شیخ کلینی در کتاب کافی تنها یک بخش با ۲۵۷ حدیث را به «ابواب التاریخ» اختصاص داده که از پنج جنبه: طریقه نقل، اتصال سند، مشایخ بدون واسطه و با واسطه کلینی و راویان از امام این احادیث را مورد ارزیابی قرار دادیم. کلینی بیشتر روایات تاریخی خود را از مشایخ قمی خود اخذ کرده که در منابع رجالی موجود، می‌توان بر وثاقت و سلامت مذهب بیشتر مشایخ او پی برد، و تعدادی که وثاقت و مذهب آنها احراز نشده‌اند، به دلیل عدم وجود اطلاعاتی از آنان است، و نه عدم وثاقت و سلامت مذهب. کوفی‌ها بیشترین سهم را در نقل این روایات به خود اختصاص داده‌اند و بر همین مقیاس می‌توان فهمید که بیشتر روایات کتاب کافی از مشایخ قمی و توسط راویان کوفی نقل شده است.

واژگان کلیدی: کلینی، اصول کافی، ابواب التاریخ، علم رجال، احادیث تاریخی.

---

\*. تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۵ و تاریخ تأیید: ۹۷/۰۴/۳۰.

\*\* عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه: Emamhistory@gmail.com

\*\*\* کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی: Rsl.chegini@yahoo.com

## مقدمه

کتاب «الکافی» یکی از کتب اربعه امامیه<sup>[۱]</sup>، تألیف محدث گرانقدر شیعه ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی (متوفی ۳۲۹هـ) می‌باشد. این اثر ارزشمند با دارا بودن بیش از ۱۶۱۰۰ حدیث، شامل مجموعه روایات اصول و فروع دین می‌باشد که از ائمه علیهم‌السلام نقل گردیده است. این کتاب از زمان نگارش تا کنون همواره مورد توجه عالمان دینی، فقها و محدثین بزرگ بوده و هیچ محققى در حوزه دینی و عرصه معارف اسلامی، از رجوع به آن بی‌نیاز نبوده و بزرگان امامیه، در منابع مهم روایی و تالیفات ارزشمند خود به آن استناد کرده اند.

این کتاب دارای ویژگی‌های فراوانی است که یکی از آنها روش شیخ کلینی در به‌کارگیری احادیث و معیار گزینش احادیث و تبویب کتاب است. گستره موضوعی احادیث به کار گرفته شده در این کتاب که شامل احادیث اعتقادی، فقهی، تاریخی و... می‌باشد، نشان از جامعیت این کتاب و نویسنده آن می‌دهد.

بر اساس تقسیم‌بندی مؤلف، این کتاب به سه بخش اصول، فروع و روضه تقسیم می‌شود. بخش اصول بیانگر اصول اعتقادی و مسائل مرتبط با آن و بخش فروع، دربردارنده احادیث فقهی و در بخش روضه، روایات مربوط به موضوعات مختلف و متنوع اعتقادی و فقهی و غیره گردآوری شده که با توجه به برتری مسائل اعتقادی بر سایر مسائل،<sup>[۲]</sup> می‌توان بخش اصول را مهمترین بخش این کتاب دانست.

بخش اصول کتاب کافی که از آن به عنوان «اصول کافی» یاد می‌شود، خود در بردارنده احادیث فراوانی در زمینه‌های گوناگون می‌باشد که کلینی برای اثبات اعتقادات و اصول دین از آنها بهره‌جسته است. از جمله ابواب این بخش می‌توان به «ابواب التاریخ» در محدوده «کتاب الحججه» اشاره کرد که بخشی تکرارنشده و درخور توجهی از این کتاب را به خود اختصاص داده است. تألیف کتاب توسط اندیشمندی خیره، اهمیت گزاره‌های تاریخی در منظومه علوم اسلامی و استفاده از عنصر تاریخ در این ابواب، و توقع دین پژوهان از منابع متقدم برای انعکاس رویدادهای گذشته در آنها جهت دستیابی به نقاط ساکت تاریخ و حل منازعات و اختلافات درون مذهبی و برون مذهبی، موقعیتی ممتاز برای «ابواب التاریخ» کافی به ارمغان آورده است.

اگرچه تاکنون تالیفات فراوانی پیرامون این کتاب و مؤلف آن به رشته تحریر در آمده است اما با توجه به جایگاه این کتاب و مؤلف آن همچنین ناشناخته ماندن برخی زوایای علمی این کتاب، پژوهش‌های متنوع و نوین، کمک شایانی در جهت آگاهی از ابعاد گوناگون این کتاب به عنوان یکی از قدیمی‌ترین منابع معتبر روایی امامیه و فضای حاکم بر آن برهه از زمان می‌نماید.

با توجه به اینکه ارزیابی رجالی گام نخست بهره مندی از این منبع بی بدیل حدیثی خواهد بود، در این نوشتار، تمام اسناد احادیث «ابواب التاریخ» با پشتوانه دانش رجال امامیه و لحاظ جنبه‌های پنج‌گانه: طریقه نقل، اتصال سند، مشایخ بدون واسطه و با واسطه کلینی و راویان از امام (علیه السلام) مورد کاوش دقیق قرار گرفته‌اند.

هدف اصلی این نوشتار، ارزیابی اسناد «ابواب التاریخ» برای پاسخگویی به این پرسش است که کلینی روایات تاریخی را از چه کسانی اخذ کرده است؟ آیا راویان احادیث تاریخی دارای ویژگی خاصی هستند؟ در این زمینه پرسش‌های دیگری نیز وجود دارند از قبیل اینکه آیا محتوای احادیث تاریخی کتب کافی همسو با سایر گزارشات مورد تایید اندیشمندان امامیه می‌باشد؟ که پاسخ به همه این سؤالات می‌تواند زمینه تشکیل هسته اصلی منبع تاریخی مستقلی با عنوان «تاریخ کلینی» را فراهم نماید تا بتوان از آن برای رهیافت منازعات تاریخی امامیه استفاده نمود. نگارنده سایر سؤالات پیرامون احادیث تاریخی اصول کافی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده که در نوشتار پیش روی، واکاوی رجالی اسناد ارائه می‌شود.

ابتدا شیوه ارزیابی احادیث تاریخی اصول کافی تبیین می‌شود و سپس با معرفی «ابواب التاریخ» اسناد این احادیث با ملاک‌های پنج‌گانه دسته‌بندی و مورد مطالعه رجالی قرار می‌گیرند:

## ۱- ملاک‌های ارزیابی اسناد

پیش از بیان ملاک‌های ارزیابی اسناد، ذکر این نکته ضروری است که همه بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش، براساس مبنای رجالی متأخرین می‌باشد. زیرا بر متخصصین علوم حدیث پوشیده نیست که تشخیص قوت و ضعف حدیث در نزد قدماء<sup>[۳]</sup> با معنای آن در نزد علمای حدیث دوره بعد متفاوت است. این بدان جهت بوده که متقدمین نه به صرف صحت سند، به درستی حدیث حکم می‌کردند و نه به صرف ضعف سند، آن را کنار می‌گذاشتند. قوت و درستی سند تنها یکی از شیوه‌ها و گاه تنها یکی از قرینه‌ها برای حکم به اعتبار و بی اعتباری روایت بود. بخش دیگر کار در بررسی متن به انجام می‌رسید که پس از کاوش‌های دقیق و عمیق از مراد روایت، آن را با قرآن و سنت قطعی و دیدگاه پذیرفته شده در مذهب، مورد سنجش قرار می‌دادند (عاملی، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، ۱۳۷۲: ۲۶۹)، و بدین شیوه احادیث را معتبر دانسته و یا از دایره حجّیت خارج می‌کردند (ر.ک: عاملی، منتقى الجمان، ۱۳۶۲: ۴). به عبارت دیگر آنان برای تصحیح روایات، به تک تک رجال سند توجه نمی‌کرده‌اند؛ بلکه آنان کتاب‌های حدیثی را مورد توجه قرار داده و هر کتابی که مؤلف آن ثقة بوده و از ضعف روایت نمی‌کرده و از روایات مرسل نیز اجتناب می‌کرده، کتابی معتمد دانسته و به تمامی روایات آن عمل می‌کرده‌اند.<sup>[۴]</sup>

اما این شیوه برای متأخرین که از ابن طاووس (م ۶۷۳ ق) و علامه حلی (م ۷۲۶ ق) آغاز می‌شود، متفاوت است. آنان با مراجعه به کتاب‌هایی که به توصیف روایان احادیث پرداخته‌اند و استناد به برخی قواعد رجالی، حکم به صحت یا ضعف حدیث می‌کنند. با توجه به این‌که در حال حاضر نمی‌توان به همه قراین و شواهدی که قدما برای علم به اعتبار احادیث استفاده می‌کردند، دست یافت، در نتیجه باید از شیوه متأخرین تبعیت نمود. ناگفته نماند که ممکن است روایات زیادی بر اساس منهج متأخرین، از دایره حجیت خارج شوند، ولی به دلیل تفاوتی که در منهج رجالی قدما با متأخرین وجود دارد، هیچ خللی به منابع روایی متقدم وارد نمی‌سازد. این نوشتار نیز بر اساس شیوه متأخرین، اسناد را مورد بررسی قرار می‌دهد.

لازم به ذکر است با توجه به برخی اختلافات در توثیق و تضعیف روایان و لزوم مراجعه به معیارهای حل این تعارضات و خروج از حوصله بحث و موضوع اصلی، در این نوشتار برای بررسی احوال روایان احادیث، از کتاب «معجم رجال الحدیث» مرحوم خوبی (م ۱۳۷۱ ش) استفاده گردیده است.

پس از ذکر این مقدمات، باید بدانیم که در بررسی رجالی یک حدیث، پاسخ به چند پرسش مهم است: اینکه در چه منبعی ذکر شده؟ مولف آن را چگونه و از چه کسی فراگرفته و چگونه نقل کرده است؟ اتصال سند تا امام معصوم علیه السلام وجود دارد؟ روایان آن در چه درجه‌ای از اعتبار قرار دارند؟ چه کسی این حدیث را از امام علیه السلام شنیده است؟ و برخی پرسش‌های دیگر که مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### یک. اتصال سند

از دیگر مباحث مهمی که در اسناد روایات مورد توجه قرار می‌گیرد، متصل یا مرسل بودن سند است. «متصل» روایتی است که اتصال سند آن به معصوم صحیح باشد بدین نحو که هر راوی آن را از راوی مافوق خود اخذ کرده باشد ولو به نحو اجازه و مناووله (عاملی، الرعايه فی علم الدرایه، ۱۳۸۱: ۹۷). حدیث مسند اقسامی دارد:

۱۰۰ الف) مُعْتَمَنٌ: حدیث «معنعن» حدیثی است که بدون ذکر الفاظ «أَخْبَرَنِي» «حَدَّثَنِي» یا «سَمِعْتُ» در سلسله سند آن، واژه «عَن» تکرار شده باشد (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۲: ۲۷۵/۳).

ب) عالی و نازل: «عالی» خبری است که در مقایسه با اخبار دیگر دارای واسطه کمتری باشد، و راوی با واسطه‌های کمتری حدیث را از معصوم نقل کرده باشد. نازل، خبری است که برعکس عالی، تعداد روایان و واسطه‌ها بیشتر باشد (عاملی، الرعايه فی علم الدرایه، ۱۱۲-۱۱۳). برخی

محدثان امامیه نیز مجموعه‌هایی به منظور گردآوری احادیث عالی السند با اسانید کوتاه تا ائمه علیهم‌السلام با عنوان مشترک «قرب الاسناد» (از جمله: قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری (م قرن دوم هجری)) تألیف کرده‌اند.

ج) مُضْمَر: روایتی است که به جای ذکر نام معصوم در آن از ضمیر استفاده شده است، مثل آنجایی که راوی بگوید: «سألته علیه‌السلام...» که نشان می‌دهد راوی از معصوم روایت کرده، ولی نمی‌دانیم نام آن معصوم چه بوده است.

د) مُعَلَّق: خبری است که در یک جا محدّث آن را با تمام سند نقل می‌کند و در جای دیگر همه یا بخشی از ابتدای سند را حذف می‌کند و در حقیقت سند آن را معلق بر نقل پیشین می‌نماید (صدر، نهاية الدراية، بی تا: ۱۸۷-۱۸۸).

در مقابل آن «مرسل» وجود دارد که راوی برخی از راویان را از سند حذف می‌کند (مامقانی، مقباس الهدایة، ۱۴۱۱: ۱/۳۳۸) و کسی آن را از معصوم روایت می‌کند که معصوم را درک نکرده است (عاملی، الرعایه فی علم الدراية، ۱۳۶)؛ اقسام خبر مرسل عبارتند از:

۱. مرفوع: خبری است که نام برخی از راویان ابتدای سند ذکر شده و راوی آخر بدون ذکر نام واسطه‌های خود تا معصوم، نقل حدیث کند: «رفعه إلی المعصوم». حدیث مرفوع نزد اهل سنت حدیثی که منتسب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد نه صحابه (حدیث موقوف) یا تابعین (حدیث مقطوع) (سیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ۱۰۴۹: ۱/۲۳).

۲. موقوف: موقوف دو اصطلاح دارد:

الف) خبری که سلسله سند آن به معصوم برسد ولی نام معصوم برده نشده باشد و معروف باشد که راوی آن خبر از غیر معصوم نقل حدیث نمی‌کند.

ب) روایتی که سلسله سند آن به صحابی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا مصاحب امام علیه‌السلام منتهی شود.

روایت موقوف به دلیل اعتبار صحابه در بسیاری از موارد از نگاه اهل سنت حجت است، اما محدثان شیعه روایت موقوف را تنها زمانی که صدور آن از طریق شواهدی از معصوم ثابت شود، معتبر می‌دانند.

۳. مقطوع: حدیثی را مقطوع گویند که بعضی راویان آن ناشناخته باشند یا اتصال اسناد آن به معصوم معلوم نباشد. در اصطلاح اهل سنت حدیث مقطوع به هر حدیثی که بیانگر گفتار یا کردار تابعین باشد، گفته می‌شود. حدیث مقطوع مانند موقوف به رغم اتصال سند، از نظر محدثان شیعه فاقد حجیت است (صدر عاملی، الرعایه فی علم الدراية، ۱۹۸).

البته تقسیمات دیگری نیز ذکر کرده‌اند، مانند: «معلق»<sup>[۵]</sup> و «معضل»<sup>[۶]</sup> که با توجه به اختلافاتی که در تعریف آنها وجود دارد، از بیان آنها خودداری می‌کنیم (ر.ک: استرآبادی، توضیح المقال، ۱۳۷۹: ۲۷۳؛ شریعتمدار، لب اللباب، ۱۳۸۸: ۴۵۱-۴۵۲؛ محمد بن محمد باقر حسینی، الرواشح السماویة، ۱۴۲۲: ۱۷۱). با توجه به ضعیف بودن همه اقسام مرسل، در ارزیابی‌های پیش روی، تنها به ذکر مسند یا مرسل بودن احادیث اکتفاء می‌کنیم. ملاک‌های دیگری از قبیل: راویان بی واسطه و با واسطه کلینی و راویان از امام نیز، در این بخش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### دو. جرح و تعدیل راوی

با توجه به اینکه اصلی‌ترین هدف ما از بررسی‌های رجالی، دستیابی به روایات «صحیح» است، باید با تعریف «حدیث صحیح» آشنا شد تا بتوانیم مصادیقی برای آن پیدا کنیم. بر اساس نظر مشهور متأخرین، صحیح روایتی است که زنجیره آن توسط راویان موثق و امامی در تمام طبقات به معصوم متصل باشد (عاملی، منتقى الجمان، ۱۳۶۲: ۱۹؛ عاملی، الوجیزه فی علم الدراییه، ۱۳۱۴: ۵؛ مامقانی، مقباس الهدایه، ۱۴۱۱: ۱/۱۴۵-۱۴۰؛ مدیر شانه چی، درایه الحدیث، ۱۳۹۰: ۲۱)؛ در نتیجه، ثقه بودن و امامی بودن مهم‌ترین ویژگی راویان به شمار می‌رود.

برخی بر این باور هستند که در صورتی که علمای رجالی، شخصی را موصوف به «ثقه» بودن کنند، عدالت و ضبط و امامی بودن او فهمیده می‌شود (ر.ک: مامقانی، مقباس الهدایه، ۱۴۱۱: ۲/۱۴۷؛ کلباسی، سماء المقال، ۱۴۲۲: ۱۸۴/۲)، و این از جمله الفاظ صریح در توثیق و تعدیل به شمار می‌رود (ر.ک: استرآبادی، الرواشح السماویه، ۱۳۴۲: ۶۰)، تا آنجا که نسبت به عدم دروغ‌گویی، اشتباه نکردن در حد متعارف و عدم فراموش کاری راوی ثقه اطمینان وجود دارد (مامقانی، مقباس الهدایه، ۱۴۱۱: ۱۴۶/۲). اما از دیدگاه متأخرین، در عدل و ضبط راوی «ثقه» تردیدی نیست؛ زیرا اعتماد به راوی تنها در سایه عدالت و دوری او از سهو و نسیان حاصل می‌شود؛ حال آنکه امامی بودن راوی یعنی شیعه دوازده امامی بودن او، در دایره وثاقت نمی‌گنجد و اثبات مذهب راوی بر اساس وثاقت او ممکن نیست (ر.ک: مولوی، مدخل ثقه الاسلام، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۲: ۴۲۴۹). از این رو «امامی» دانستن راویان ثقه، با توجه به قرائن متعددی که موید خلاف آن است - از جمله استعمال این وصف درباره بعضی از راویان خاص که قطعاً امامی مذهب نبوده‌اند - محل تردید و مناقشه است (فقهی زاده و دیگران، تعبیر رجالی ثقه؛ معنای لغوی یا اصطلاحی، ۱۳۹۷: ۳۲). بر همین اساس ما همه راویان را بر اساس «وثاقت» و «مذهب» مورد ارزیابی قرار می‌دهیم؛ صور مختلف این ارزیابی به چهار حالت متصور است: امامی ثقه؛ امامی

غیر ثقة؛ غیر امامی ثقة و غیر امامی غیر ثقة. دو صورت دیگر وجود دارد، و آن راوی مجهول یا مهمل است. مجهول کسی است که نام راوی مشخص است اما هیچ‌گونه توثیق و تضعیفی برای او به ثبت نرسیده باشد و مهمل کسی است که اصلاً نامی از او در کتب رجالی برده نشده باشد (شریعتمدار استرآبادی، لب اللباب فی علم الرجال، ۱۳۸۸: ۴۶۲؛ مامقانی، مقیاس الهدایة، ۱۴۱۱: ۱/۳۹۷). در نتیجه حالات مختلف راوی به شش صورت تقسیم می‌شود (ر.ک: عاملی، الرعایه فی علم الدرايه، ۱۳۱۴: ۲۱-۱۹؛ عاملی، الوجیزه فی علم الدرايه، ۱۳۷۲: ۷؛ طریحی، جامع المقال، بی‌تا: ۹-۴؛ مامقانی، مقیاس الهدایه، ۱۴۱۱: ۱/۱۴۵-۱۴۰؛ سبحانی، اصول الحدیث و احکامه، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۷؛ مدیر شانه چی، درایه الحدیث، ۱۳۹۰: ۲۳).

لازم به ذکر است که این بررسی‌ها بر اساس منهج رجالی متأخرین می‌باشد، و نمی‌توان به صرف ضعیف بودن روایات، آن را از منظومه روایی شیعه خارج نمود، چه اینکه ممکن است آن حدیث در نزد قدما، به پشتوانه شواهد و قرائنی، در مرتبه صحیح بوده ولی عدم دستیابی ما به آن شواهد، آن را از دیدگاه ما ضعیف جلوه داده شده است.

## ۲- واکاوی رجالی اسناد «ابواب التاریخ»

پیش از ورود به بحث، نگاهی آماری به کتاب کافی و ابواب التاریخ می‌اندازیم. کتاب کافی مجموعاً ۱۶۱۹۹ روایت را در بر دارد؛<sup>[۷]</sup> مقایسه کتاب کافی با سایر کتب اربعه نشان می‌دهد که در هیچ یک از کتب اربعه به اندازه کتاب کافی، روایت ذکر نشده است. مثلاً: در من لایحضره الفقیه ۵۹۹۸ حدیث وجود دارد، در استبصار ۵۵۱۱ حدیث آمده، در تهذیب ۱۳۵۹۰ حدیث ذکر شده که کافی از نظر تعداد روایت در صدر قرار دارد. شمارگان ابواب و احادیث کتاب کافی بدین ترتیب است که قسمت اصول، شامل ۸ کتاب، ۴۹۹ باب و ۳۷۸۶ روایت، بخش فروع ۲۶ کتاب، ۱۷۴۴ باب و ۱۰۷۰۰ روایت، و روضه هم مشتمل بر حدود ۱۷۱۳ روایت است. در بخش اصول کافی، کتاب الحججه شامل ۱۳۰ باب و حدود ۱۰۱۵ روایت را منعکس نموده که از جهت تعداد باب و روایت، بیشترین حجم کتاب کافی را به خود اختصاص داده است.<sup>[۸]</sup>

هر یک از کتاب‌ها، در بر دارنده ابواب مختلفی هستند که: «ابواب التاریخ» در «کتاب الحججه» مشتمل بر ۱۹ باب و ۲۵۷ حدیث<sup>[۹]</sup> و آخرین بخش از «کتاب الحججه» است که باب «مولد النبی ﷺ» ۴۱ حدیث،<sup>[۱۰]</sup> باب «مولد امیرالمؤمنین (علیه السلام)» ۱۱ حدیث، باب «مولد الزهراء (علیها السلام)» ۱۰ حدیث، باب «مولد حسن بن علی (علیه السلام)» ۶ حدیث، باب «مولد حسین بن علی (علیه السلام)» ۹ حدیث، باب «مولد علی بن الحسین (علیه السلام)» ۶ حدیث، باب «مولد ابی جعفر محمد بن علی (علیه السلام)» ۶ حدیث،

باب «مولد ابی عبدالله جعفر بن محمد (علیه السلام)» ۸ حدیث، باب «مولد ابی الحسن موسی بن جعفر (علیه السلام)» ۹ حدیث، باب «مولد ابی الحسن الرضا (علیه السلام)» ۱۱ حدیث، باب «مولد ابی جعفر محمد بن علی الثانی (علیه السلام)» ۱۲ حدیث، باب «مولد ابی الحسن علی بن محمد (علیه السلام)» ۹ حدیث، باب «مولد ابی محمد حسن بن علی (علیه السلام)» ۲۷ حدیث، باب «مولد الصاحب (علیه السلام)» ۳۱ حدیث، و در ۵ باب دیگر «ابواب التاریخ» که مباحث تاریخی کمتری دیده می‌شود، به ترتیب در باب «ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم (علیهم السلام)» ۲۰ حدیث، در باب «فی أنه إذا قیل فی الرجل شیء فلم یکن فیہ و کان فی ولده أو ولد ولده فإنه هو الذی قیل فیہ» ۳ حدیث، در باب «أن الأئمة (علیهم السلام) کلهم قائمون بأمر الله تعالی هادون إلیه» ۳ حدیث، در باب «صلة الإمام (علیه السلام)» ۷ حدیث و در باب «القیء و الأنفال و تفسیر الخمس و حدوده و ما یجب فیہ» ۲۸ حدیث آمده است.

#### یک. طریقه نقل

روش کلینی در بیان اسناد احادیث تاریخی و غیر تاریخی به یک شیوه است؛ بیان رجال سند، استفاده از طرق متعدّد در نقل یک روایت، نقل از رجال متعدّد یک طبقه سند، اختصار سند و احاله آن به اسناد سابق، نقل حدیث از غیر معصوم برای اتمام فایده و... از اموری است که در ابواب التاریخ و سایر اجزای کافی به چشم می‌خورد.

کلینی، ملتزم به ذکر تمام سلسله اسناد حدیث کافی بوده و جز در موارد اندک، به این مسلک، رفتار نموده است. صیغه مورد استفاده کلینی در نقل حدیث، همان صیغه‌های معمول در بین محدثان است که مشهور و معمول‌ترین آنها، صیغه «عننه» است.

در کافی صیغه‌های اخبرنی (نا)، حدّثنی (نا) که اشعار به سماع و قرائت دارد نیز به کار برده شده که طبق بررسی‌ها، کلینی در برخی کتاب‌ها، اولین احادیث کافی را بیشتر با این الفاظ شروع نموده، سپس طریقه «عننه» را دنبال کرده است (برای نمونه: کافی، ج ۳، کتاب الصلاة، ب ۱، ح ۱؛ ج ۴، کتاب الحجّ، ب ۱، ح ۱). اما در ابواب التاریخ قریب به اتفاق احادیث به صورت «معنعن» منعکس شده‌اند. البته در این محدوده به هیچ روایتی دست نیافتیم که کلینی در آن به کتاب یا اصل خاصی ارجاع داده باشد و این نکته در ظاهر نقل از طریق «وجاده» را تضعیف می‌کند که بر اعتبار این روایات می‌افزاید.

۱۰۴

#### دو. اتصال سند

اتصال اسناد این ابواب را باید در تعابیر کلینی به دست آورد. وی بیشتر این روایات را به صورت مسند ذکر کرده و برخی اسناد ناتمام، بر وجود حذف در این موارد خبر می‌دهد. در مواردی کلینی از روایات موقوف استفاده کرده که بیشتر آنها را برای تأیید دیگر روایات به کار برده است. اما با مقایسه تعداد این روایات، به راحتی اهتمام کلینی بر ذکر روایات مسند فهمیده می‌شود.



کلینی در «ابواب التاریخ» ۵۴ حدیث مرسل و ۲۰۳ حدیث مسند ذکر کرده است. در احادیث مرسل، روایات امام صادق (علیه السلام) بیشترین تعداد روایت را در این بخش به خود اختصاص داده که این به دلیل حجم زیاد روایات از امام صادق (علیه السلام) است.

### سه. مشایخ بدون واسطه کلینی

به لحاظ اسناد تکراری، کلینی در «ابواب التاریخ» ۳۰۵ روایت نقل کرده که ۳۶ روایت (۱۱ درصد) از طریق «عده من اصحابنا» می باشد که آنها از طریق: احمد بن حسن (۱ حدیث) (کلینی، الکافی، ۱۳۶۲: ۵۲۲، ح ۱۶)؛ احمد بن محمد بن خالد برقی (۴ حدیث) (همان، ۴۵۲، ح ۱؛ ۴۹۷، ح ۱۱؛ ۵۲۶، ح ۱؛ ۵۳۰، ح ۵)؛ احمد بن محمد بن عیسی بن یزید (۱ حدیث) (همان، ۱۳۶۲: ۵۴۵، ح ۱۲)؛ احمد بن محمد بن عیسی اشعری (۲۹ حدیث) (همان، ۴۴۱، ح ۶؛ ۴۴۳، ح ۱۳؛ ح ۱۴؛ ۴۴۴، ح ۱۵؛ ۴۴۶، ح ۲۰؛ ۴۴۸، ح ۲۵؛ ۴۵۵، ح ۴؛ ۴۵۶، ح ۵؛ ح ۶؛ ۴۵۹، ح ۴؛ ۴۶۱، ح ۱۰؛ ۴۶۲، ح ۳؛ ۴۶۴، ح ۲؛ ۴۶۵، ح ۷؛ ۴۶۷، ح ۲؛ ۴۷۰، ح ۲؛ ح ۳؛ ۴۷۸، ح ۳؛ ۴۸۴، ح ۶؛ ۵۳۶، ح ۱؛ ۵۳۷، ح ۲؛ ح ۳؛ ح ۴؛ ۵۴۴، ح ۶؛ ح ۷؛ ۵۴۵، ح ۱۳؛ ح ۱۴؛ ۵۴۶، ح ۱۶؛ ح ۱۸)؛ علاء بن رزق الله (۱ حدیث) (همان، ۵۲۲، ح ۱۶)؛ منعکس شده‌اند.

عده‌ای که به واسطه آنها، از احمد بن محمد بن عیسی روایت نقل شده: محمد بن یحیی، علی بن موسی کمندانی، داود بن کوره قمی، احمد بن ادریس و علی بن ابراهیم بن هاشم (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۷۸ می باشند).

همچنین عده‌ای که به واسطه آنها از احمد بن محمد بن خالد برقی روایت نقل شده: علی بن ابراهیم قمی، علی بن محمد بن عبدالله بندار، ابن اذینه، احمد بن عبدالله بن امیه و علی بن حسین سعدآبادی (حسن بن یوسف بن مطهر، همان، ۲۷۲) نام دارند.

غیر از سه مورد عده معلوم کلینی، سایر عده‌های او مجهول می باشد که در این بخش با تعدادی از آنها مواجه می شویم. گفتیم که با توجه به اینکه مصادیق عده‌های مجهول در هیچ یک از منابع حدیثی و رجالی موجود مشخص نگردیده است و لذا چنین مواردی موجب ارسال سند می شود.

### ۱۰۵

در نتیجه مشایخ بدون واسطه کلینی در این اسناد عبارتند از: احمد بن ادریس (امامی ثقه)، علی بن ابراهیم بن هاشم (امامی ثقه)، محمد بن یحیی (امامی ثقه)، داود بن کوره قمی (مجهول) و علی بن موسی کمندانی (برخی منابع او را کمندانی ضبط کرده‌اند) (مهمل) که در طریق احمد بن محمد بن عیسی اشعری هستند؛ و علی بن ابراهیم بن هاشم (امامی ثقه)، علی بن محمد بُندار (امامی ثقه)، ابن اذینه قمی (امامی ثقه)، احمد بن عبدالله بن امیه قمی (امامی ثقه) و علی بن حسین سعدآبادی قمی (امامی ثقه) که در طریق احمد بن محمد بن خالد برقی وجود دارند. سایر «عده»ها که تنها ۴ حدیث را نقل کرده‌اند، مجهول هستند.

غیر از روایاتی که از طریق «عده»‌های کلینی ذکر شده، سایر روایات او (با احتساب اسناد مکرر ۲۶۹ حدیث)، از طریق ۱۲ راوی امامی ثقه، یک راوی امامی غیر ثقه، یک راوی مجهول و هشت راوی مهمل نقل شده که با لحاظ اسناد تکراری، روات امامی ثقه ۲۴۵ روایت (۹۱ درصد)، امامی غیر ثقه پنج روایت (۱/۸ درصد)، مجهول یک روایت (۰/۳ درصد) و مهمل ۱۸ روایت (۶/۶ درصد) را منعکس نموده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت که بیش از ۹۰ درصد روایات «ابواب التاریخ» از جهت مشایخ بدون واسطه کلینی توثیق شده‌اند.

از سوی دیگر کلینی بیشترین روایت را از قمی‌ها اخذ کرده است به این ترتیب که او ۱۵۲ روایت را از قمی‌ها (۵۶/۵ درصد)، ۸۰ روایت را از اهل ری (۲۹/۷ درصد)، ۱۸ روایت را از کوفی‌ها (۶/۶ درصد)، ۶ روایت را از نیشابوری‌ها (۲/۲ درصد)، چهار روایت را از بغدادی‌ها (۱/۴ درصد)، و نه روایت را از مشایخی که برای ما مبهم یا مجهول (۳/۳ درصد) هستند، روایت کرده است. در میان مشایخ ثقه و امامی، کلینی از دایی خود، محمد بن علان، با ۷۰ روایت دارای بیشترین حدیث و از محمد بن اسماعیل بندفر نیشابوری و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری قمی با یک روایت کمترین حدیث را نقل کرده است.

#### چهار. مشایخ با واسطه کلینی

مجموع مشایخ با واسطه کلینی غیر از مشایخ بدون واسطه کلینی و روایانی که از امام علیه السلام نقل کرده‌اند، ۳۳۱ راوی در میان اسانید کلینی نام برده شده‌اند که از میان آنها، ۱۲۴ راوی امامی ثقه (۳۷/۴ درصد)، ۳۰ راوی امامی غیر ثقه (۹ درصد)، ۱۵ راوی غیر امامی ثقه (۴/۵ درصد)، هفت راوی غیر امامی غیر ثقه (۱/۲ درصد)، ۵۶ راوی مجهول (۱۶/۹ درصد) و ۹۹ راوی مهمل (۲۹/۹ درصد) می‌باشند. بدون لحاظ مذهب راوی، بیش از ۵۰ درصد راویان معتبر و مابقی غیر معتبر هستند.

#### الف) امامی ثقه

در این بخش می‌توان به ۱۲۴ راوی دست یافت که در مجموع ۴۶۲ روایت را منتقل نموده‌اند. از این تعداد، ۵۱ راوی تنها یک حدیث (۴۱/۱ درصد)، ۵۳ راوی از ۲ تا ۵ حدیث (۴۲/۷ درصد)، ۱۷ راوی از ۵ تا ۲۰ حدیث (۱۳/۷ درصد) و سه راوی بیش از ۲۰ حدیث (۲/۴ درصد) روایت کرده‌اند که احمد بن محمد بن عیسی اشعری با ۵۱ روایت، و پس از او ابراهیم بن هاشم با ۲۶ روایت، بیشترین تعداد روایت را به خود اختصاص داده‌اند.

کوفی‌ها نیز بیشترین و اهل ری کمترین حجم از راویان را به خود اختصاص داده‌اند. به این ترتیب کوفی‌ها ۸۴ راوی (۶۷/۷ درصد)، قمی‌ها ۲۳ راوی (۱۸/۵ درصد)، بغدادی‌ها پنج راوی (۴ درصد)، اهل ری دو راوی (۱/۶ درصد) و سایرین که پراکنده یا مجهول می‌باشند ۱۰ راوی (۸ درصد) را از این تعداد راویان تشکیل می‌دهند.

### ب) امامی غیر ثقه

راویان امامی غیر ثقه «ابواب التاریخ» ۳۰ نفر هستند که ۱۰۰ روایت را نقل کرده‌اند. ۱۵ روایت ناقل یک حدیث، ۱۱ روایت بین دو تا ۵ حدیث و ۴ روایت بیش از پنج حدیث نقل کرده‌اند و سهل بن زیاد آدمی با ۲۰ روایت و محمد بن سنان با ۱۹ روایت - که هر دو را غالی توصیف کرده‌اند -، بیشترین نقل را به خود اختصاص داده‌اند. ۱۶ روایت کوفی، ۴ بصری، ۳ رازی، یک قمی، یک بغدادی و ۵ روایت پراکنده یا مجهول، تشکیل دهنده راویان این بخش هستند. بیشترین علت ضعف راویان (۱۳ روایت) وجود افکار غالیانه و «کذاب بودن» کمترین علت تضعیف (۲ روایت) آنان می‌باشد که علمای علم رجال به آنها تصریح کرده‌اند.

### ج) غیر امامی ثقه

علمای علم رجال ۱۵ روایت را در «ابواب التاریخ»، غیر امامی ولی ثقه ارزیابی کرده‌اند که ۲۸ روایت از آنان به ثبت رسیده است. ۷ روایت تنها یک روایت و ۸ روایت از ۲ تا ۵ روایت نقل کرده‌اند و علی بن اسباط با ۵ روایت بیشترین روایت غیر امامی ثقه است که در این بخش دیده می‌شود. در این میان تنها ۲ روایت عامی هستند و سایرین از انشعابات شیعه به شمار می‌روند به این ترتیب که ۷ واقفی، ۳ فطحی، یک ناووسی، یک کیسانی و یک غالی ناصبی تشکیل دهنده جمع راویان غیر امامی ثقه می‌باشند و طبق معمول کوفی‌ها بیشترین تعداد از این راویان را به خود اختصاص داده‌اند.

### د) غیر امامی غیر ثقه

کمترین تعداد راویان در این تقسیم متعلق به راویان غیر امامی غیر ثقه است که ۷ روایت در این بخش وجود دارد که ۲۹ روایت را منعکس نموده‌اند. واقفه با ۳ روایت و کیسانیه و اسحاقیه و جارودیه و بتریه هر کدام یک روایت در این بخش هستند. وجود افرادی مانند اسحاق بن محمد رئیس فرقه اسحاقیه و زیاد بن منذر رئیس فرقه جارودیه و علی بن ابی حمزه بطائنی که از سران واقفه بود، قابل توجه است.

### ه) مجهول

راویانی که نام آنها در منابع رجالی بدون ارزیابی رجال ذکر شده، ۵۶ نفر هستند که ۶۶ روایت از آنها به ثبت رسیده است. از این تعداد ۴۷ روایت یک روایت و ۹ روایت از ۲ تا ۵ روایت نقل کرده‌اند که این تعداد زیاد راویان با یک روایت، می‌تواند بیانگر این باشد که تعداد زیادی از این افراد برای کلینی نیز مبهم بوده‌اند و او سعی داشته کمترین روایت را از آنان نقل کند.

وجود سه تن از وکلای امام عسکری علیه السلام و امام مهدی علیه السلام در این جمع قابل توجه می‌باشد. با توجه به مجهول بودن تعداد زیادی از این افراد ولی به نظر می‌رسد کوفی‌ها بیشترین تعداد راوی را نیز در این بخش به خود اختصاص داده اند.

### (و) مهمل

تعداد راویان مهمل «ابواب التاریخ» ۹۹ نفر است که ۱۱۷ روایت نقل کرده‌اند. ۹۰ راوی تنها یک روایت و ۸ راوی بین دو تا پنج روایت و یک راوی ۸ روایت منتقل کرده است. این نیز گویای مبهم بودن خیلی از این راویان برای کلینی می‌باشد که باعث شده کمترین روایت را از آنان نقل کند. هرچند هیچ نشانی از بیشتر این راویان در دست نیست ولی به نظر می‌رسد کوفی‌ها در این بخش نیز بیشترین راوی را از میان خود دارند.

### پنج. راویان از امام

همان‌گونه که بیان شد، این راویان را از دایره مشایخ با واسطه کلینی خارج نمودیم تا به نوع روایات و جهات صدور روایات بهتر دست یابیم. در این قسمت به نام ۱۵۱ راوی دست می‌یابیم که ۵۷ راوی امامی ثقه (۳۷/۷ درصد)، ۷ راوی امامی غیر ثقه (۴/۶ درصد)، ۷ راوی غیر امامی ثقه (۴/۶ درصد)، ۴ راوی غیر امامی غیر ثقه (۲/۶ درصد)، ۳۳ راوی مجهول (۲۱/۸ درصد) و ۴۳ راوی مهمل (۲۸/۴ درصد) می‌باشند. در صورت شرط ندانستن عدالت راوی، بیش از ۴۰ درصد روایات راویان معتبر و نزدیک به ۶۰ درصد از راویان غیر معتبر هستند.

### الف) امامی ثقه

راویان امامی ثقه «ابواب التاریخ» که مستقیم از ائمه معصومین علیهم السلام نقل کرده اند، ۵۷ نفر می‌باشند که ۱۱۳ روایت نقل کرده اند. اگرچه، برخی راویان از دو امام روایت دارند که در ادامه نام آنها به تفکیک دوره زندگی ذکر می‌شود.

بیشترین تعداد روایت از امام صادق علیه السلام با ۳۲ راوی و ۵۳ روایت و امام باقر علیه السلام با ۸ راوی و ۲۴ روایت و کمترین تعداد روایت از امام سجاد علیه السلام و امام هادی علیه السلام با یک راوی و یک روایت می‌باشد. از میان این راویان ۴۲ کوفی (۷۳/۶ درصد)، ۵ قمی (۸/۷ درصد)، ۲ بغدادی (۳/۵ درصد)، یک رازی (۱/۷ درصد) و ۷ راوی پراکنده یا مبهم (۱۲/۲ درصد) هستند.

### ب) امامی غیر ثقه

راویان امامی مذهب که علمای رجال آنها را ثقه نمی‌دانند، ۷ نفر هستند که در مجموع ۱۲ روایت را منتقل کرده اند. با توجه به کثرت روایات از امام صادق علیه السلام، طبیعی است که راویان غیر ثقه نیز بیش از همه از حضرت روایت کرده باشند. مانند بخش‌های گذشته کوفی‌ها از جهت مدرسه حدیثی و غالبان از جهت علت ضعف راویان، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.

### ج) غیر امامی ثقه

۸ راوی در این بخش هستند که ۸ روایت را گزارش کرده‌اند. ۳ فطحی، ۳ واقفی، یک کیسانی و یک عامی در این میان دیده می‌شوند.

### د) غیر امامی غیر ثقه

راویان غیر امامی غیر ثقه ۴ نفر هستند که ۵ روایت نقل کرده‌اند. افرادی مانند زیاد بن منذر و علی بن ابی حمزه بطائنی قابل توجه است.

### هـ) مجهول

راویانی که نام آنها در منابع رجالی ذکر شده ولی توثیق و تضعیف نشده‌اند، ۳۳ نفر هستند که ۳۶ روایت نقل کرده‌اند. وجود روایتی از رسول الله ﷺ به نقل از عبدالله بن جعفر بن ابی طالب از احادیث قابل توجه می‌باشد. زیرا شیخ کلینی روایات محدودی را با سند از پیامبر اعظم ﷺ نقل کرده است.

بیشتر این راویان را کوفی‌ها تشکیل می‌دهند. برخی راویان مورد مدح علمای رجال قرار گرفته‌اند، ولی نمی‌توان آن‌ها را حمل بر توثیق نمود. از جمله از خادم امام رضا علیه السلام و وکلای امام عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام.

### و) مهمل

راویان «ابواب التاریخ» که هیچ نام و نشانی از آنها در منابع رجالی موجود دیده نمی‌شود، ۴۳ نفر با ۴۶ روایت هستند. وجود این افراد در میان راویان امام صادق علیه السلام قابل درک است ولی از امام جواد علیه السلام تعداد این افراد رو به فزونی نهاده و در نهایت بیشترین تعداد راوی مهمل مربوط به احادیث امام زمان علیه السلام می‌باشد که بیشترین علت آن را می‌توان فضای بسته حاکم بر پنج امام آخر دانست.

### نتیجه

شیخ کلینی از محدثین قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری، در کتاب شریف «کافی» با اختصاص ابوابی به تاریخ، در گزارش رویدادهای تاریخی مربوط به پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت تلاش در خور توجهی کرده است.

در پژوهش حاضر اسناد احادیث «ابواب التاریخ» از پنج جنبه: طریقه نقل، اتصال سند، مشایخ بدون واسطه و با واسطه کلینی و راویان از امام مورد ارزیابی قرار گرفتند و به این نتیجه دست یافتیم که این احادیث از جهت شیوه نقل و گزینش اخبار، مانند سایر ابواب و کتب کافی می‌باشد و راویان این احادیث نیز از جمله راویان کتاب کافی هستند.

در ابواب «التاریخ قریب» به اتفاق احادیث به صورت «معنعن» منعکس شده اند. کلینی در این بخش ۵۴ حدیث مرسل و ۲۰۳ حدیث مسند ذکر کرده است. بیش از ۹۰ درصد روایات «ابواب التاریخ» از جهت مشایخ بدون واسطه کلینی توثیق شده‌اند و بدون لحاظ مذهب راوی، بیش از ۵۰ درصد مشایخ با واسطه کلینی معتبر و مابقی غیر معتبر هستند. کلینی بیشتر روایات تاریخی خود را از مشایخ قمی خود اخذ کرده که بیشتر مشایخ او مورد توثیق دانشمندان علم رجال واقع شده‌اند. سایر مشایخ او که وثاقت و مذهب آنها احراز نشده‌اند، به دلیل عدم وجود اطلاعات از آنان است، و نه عدم وثاقت و سلامت مذهب. کوفی‌ها بیشترین سهم را در نقل این روایات به خود اختصاص داده‌اند و بر همین مقیاس می‌توان فهمید که بیشتر روایات کتاب کافی از مشایخ قمی و توسط راویان کوفی نقل شده است.

## پی‌نوشت‌ها

- [۱] کتب اربعه معتبرترین کتاب‌هایی هستند که از ابتدای تألیف تاکنون، مورد توجه علمای شیعه و اقسام مختلف قرار گرفته و در حقیقت بخش اعظمی از متون دینی و مکتبی تشیع در این چهار کتاب ارزشمند نهفته است و آنها عبارتند از الکافی شیخ کلینی (متوفی ۳۲۹ق)، و من لایحضره الفقیه شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱هـ)، التهذیب و الاستبصار شیخ طوسی (متوفی ۴۶۹هـ).
- [۲] به سبب همین شرافت علما گفته‌اند که علم کلام اشرف علوم است به دلیل موضوع آن که پیرامون شناخت خداوند و عقاید دینی است. ر.ک: حلی (متوفی ۷۲۶هـ)، کشف المراد، ۱۳۷۶: ۲۴.
- [۳] به علمایی که پیش از قرن چهارم و پنجم زیسته‌اند، قدما و به کسانی که بعد از این دوره آمده‌اند، متاخرین اطلاق می‌شود.
- [۴] البته این شیوه رایج بین قدما بدان معنا نیست که آنان هیچ‌گاه یک به یک رجال سند را مورد توجه قرار نمی‌داده‌اند (ر.ک: محمد تقی مجلسی، روضة المتقین، بی تا: ۵۵/۱۴، ۲۳۳ و ۲۳۹).
- [۵] معلق: «هو ما حُذِف من مبدأ إسناده واحد فأكثر». زین الدین بن علی عاملی، الرعایه فی علم الدرایه، ۱۰۱.
- [۶] معضل: «هو ما سقط من إسناده اثنان أو أكثر من الوسط أو الأوّل أو الآخر» (زین الدین بن علی عاملی، الرعایه فی علم الدرایه، ۱۳۷).
- [۷] درباره تعداد روایات اصول کافی اختلافاتی وجود دارد ولی دیدگاه مشهور بر این تعداد است. اگر چه در نسخه مورد استفاده ما در این نوشتار، ذکر شده که تعداد دقیق این روایات، ۱۵۱۷۶ روایت است و در صورتی که اسانید تکراری را نیز به شمار آوریم تعداد آن به ۱۶۱۹۹ روایت می‌رسد (ر.ک: کلینی، الکافی، مقدمه، ۱۳۶۲: ۲۸).
- [۸] گفتنی است که با وجود چاپ‌های متعددی که از اصول کافی در بازار به چشم می‌خورد، برای مراجعه از چاپ اسلامیة تهران به سال ۱۳۶۲ش، چاپ دوم در هشت مجلد، استفاده شده و همه آدرس‌ها به این چاپ می‌باشد.
- [۹] این ابواب در نسخه مورد استفاده ما، از جلد اول صفحه ۴۳۹ تا صفحه ۵۴۸ کتاب کافی می‌باشد.
- [۱۰] ناگفته نماند کلینی پس از این باب، بابی را تحت عنوان «باب النهی عن الاشراف علی قبر النبی ﷺ» آورده که تنها یک حدیث در آن وجود دارد و ما آن را به همراه باب «مولد النبی ﷺ» یک باب به شمار آورده‌ایم.

## منابع

۱. استرآبادی میرداماد، محمد باقر، الرواشح السماویة، تحقیق غلامحسین فیصریه ها، نعمت الله جلیلی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
۲. استرآبادی، محمد بن علی، توضیح المقال، قم: دارالحديث، ۱۳۷۹ش.
۳. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد، تهران: نشر اسلامیة، ۱۳۷۶ش.
۴. سبحانی، جعفر، اصول الحديث و احکامه، انتشارات امام صادق (علیه السلام)، قم: ۱۳۸۶ش.
۵. سیوطی، جلال الدین، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواری، بیروت: چاپ احمد عمر هاشم، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.
۶. شریعتمدار استرآبادی، محمد جعفر، لب اللباب فی علم الرجال، قم: اسوه، ۱۳۸۸ش.
۷. صدر، حسن، نهاية الدراية، تهران: موسسه فرهنگی هنری مشعر، بی تا.
۸. طریحی، فخرالدین، جامع المقال، کتابفروشی جعفری تبریزی، بی تا.
۹. عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین، الوجیزه فی علم الدراية، محمدرضی رانکوهی، ۱۳۱۴ش.
۱۰. عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، با تعلیقات محمد اسماعیل خواجویی، به کوشش مهدی رجایی، مشهد: ۱۳۷۲ش.
۱۱. عاملی، حسن بن زین الدین، الرعاية لحال البداية فی علم الدراية و البداية فی علم الدراية، قم: ۱۳۸۱ش.
۱۲. عاملی، حسن بن زین الدین، منتقى الجمان، صحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسين، ۱۳۶۲ش.
۱۳. فقهی زاده، عبدالهادی، و دیگران، تعبیر رجالی ثقه؛ معنای لغوی یا اصطلاحی، ص ۳۲، لسان صدق، دوره ۱، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۱ش، صفحه ۲۷-۷۶.
۱۴. کلیاسی، محمد بن محمد، سماء المقال، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۲ش، چاپ دوم.
۱۶. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدراية، قم: چاپ محمدرضا مامقانی، ۱۴۱۱-۱۴۱۳.
۱۷. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، دوم، بی تا.
۱۸. مدیر شانه چی، کاظم، علم الحديث، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰ش.
۱۹. مولوی، محمد علی، مدخل ثقه الاسلام، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر بنیاد دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: ۱۳۸۲.
۲۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.
۲۱. هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲ش.